

از بازی فوتبال تا قتل عمد

گفتوگو با مادر زندانی که در 17 سالگی متهم به قتل شد.

«ندارم. به پیغمبر قسم ندارم. به امام حسین هیچی ندارم.» این سه جمله غم‌انگیزترین بخش این گزارش است.

«اهواز، سال ۱۳۹۵»؛ متهم به **قتل** پس از دستگیری در بازپرسی توسط ماموران آگاهی اظهار کرده بود: «ساعت ۷ بعدازظهر در پارک در حال بازی فوتبال بودیم که مقتول با لباس ساده وارد پارک شد و شروع به فحاشی کرد و گفت بازی فوتبال را جمع کنید والا شمارو میزنم. من هم به او فحاشی و فرار کردم. مقتول به دنبال آمد يك سيلی به صورتم زد و برایم چاقو کشید و به طرفم چاقو پرت کرد من جاخالی دادم و چاقویی که در جیبم بود را به او زدم.»

پزشکی قانونی پس از معاینه جسد علت فوت را آسیب به قلب ناشی از بریدن بطن چپ و عوارض ناشی از آن اعلام کرد.

۱۷ سالش بود که برای بازی در فوتبال با دوستانش راهی پارک شد. ساعاتی از رفتن او نگذشته بود که آن اتفاق دهشتناک افتاد.

نزاع میان نوجوان‌های پارک باعث شد حد فاصل يك صبح تا شب او متهم به قتل شود، آن‌هم ناخواسته.

با هیجان برای بازی فوتبال با دوستانش رفت و با دستانی آغشته به خون به خانه برگشت. برگشت و فریاد زد: «یکی کشته شد...»

او پس از دستگیری يك سال در کانون اصلاح و تربیت به‌سر برد و حالا نزدیک ۴ سال است که در زندان سپیدار اهواز به‌سر می‌برد. خانواده مقتول به شرط پرداخت دیه به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان راضی به رضایت میشوند که این مبلغ برای متهم به قتل قابل پرداخت نیست. تا جایی که «ساسان.م» متهم به قتل؛ از خانواده مقتول درخواست کرده اعدامش کنند.

«لیلا.خ» مادر ساسان برای «اعتماد» ماجرا را به زبان خودش روایت می‌کند.

وضع مالی خوبی نداریم

مادر متهم می‌گوید: «خودم نزدیک ۵۶ سال دارم. پدر ساسان ۱۹ سال پیش فوت کرد. نه بیمه بازنشستگی هیچی به ما تعلق نگرفت. شوهرم يك کارگر ساده بود. بعد از فوتش نیز خودم يکه و تنها این دوتا پسر را بزرگ کردم. ساسان پسر کوچک من بود. خانه‌های مردم کار کردم تا این دوتا از آب و گل دربیایند. پسر بزرگم جوشکار است، اما مگه ما چقدر درآمد داریم که پول دیه را جمع کنیم؟! بیايد تحقیقات کنید.

ما در يك اتاق كوچك زندگي مي‌كنيم. وضع مالي خوبي نداريم.» او به روز حادثه برمي‌گردد و ادامه مي‌دهد: «همه‌چيز از آن روز كذايي شروع شد. ساسان براي بازي فوتبال به پارک نزديك خانه رفته بود. داخل پارک بين چند نفر درگيري و «امين.ع» كشته ميشود. حالا ديگر من نميدانم چه كسي چاقو را زده؟» سوال مي‌كنم؛ با توجه به اظهارات ساسان، او به زدن يك ضربه با چاقو به مقتول اعتراف کرده پس چرا مي‌گويد نميدانم چه كسي چاقو را زده، توضيح مي‌دهد: «پسرم از [پزشكي قانوني](#) نامه دارد. در پرونده پزشكي قانوني ساسان، اختلال در شخصيت تشخيص داده شده است. دعوا و درگيري شده حالا انداختن گردن پسر من. ساسان به دنيا كه آمد رشد عقلي كاملي نداشت. ديروز پسرم زنگ زد و به من گفت كه رفته پيش مسوول اجراي احكام و گفته ما پول ديه را نداريم خانواده مقتول چرا من را زودتر [قصاص](#) نمي‌كنند؟» ليلا ادامه مي‌دهد: «از طرف دادگاه هم آمدند براي اينكه وضع خانه و زندگي‌مان را ببينند خودشانديدند كه ما وضع مالي خوبي نداريم. در يك خانه خرابه زندگي مي‌كنيم. ندارم. به پيغمبر قسم ندارم. به امام حسين هيچي ندارم. من خودم واتس‌آپ ندارم وگرنه براي‌تان از خانه زندگي‌مان عكس ارسال مي‌کردم. خواهرم شايد بتواند براي‌تان عكس از خانه‌مان ارسال كند.»

هيچ خيره‌اي نيست كه بتواند به ما كمك كند!

مادر متهم به قتل درخصوص جزييات روز حادثه مي‌گويد: «خانواده مقتول گفتند رضايت مي‌دهند فقط به شرط ديه. اين پسرم تا پاي چوبه دار خدا را شكر نرفته است اما چند روزي است كه برگه اجراي حكم قصاصش آمده. ميدانيد روز حادثه ماجرا چه بود؟ وقتي پسرم متوجه ميشود براي كمك به آن شخص مي‌رود كه درگيري بين‌شان صورت مي‌گيرد. چه كسي چاقو زده ما درست نميدانيم. من هم آن روز داخل خانه بودم و سر كار نرفته بودم. ديدم پسرم با صدايي بلند و دوان دوان به سمت خانه مي‌دود و مي‌گويد يكي كشته شد.» او در جواب سوالم درخصوص اينكه شما ميدانستيد پسران مشكل روجي و رواني دارد، مي‌گويد: «نه. نه. من نميدانستم. پزشكي قانوني در معاينه روانپزشكي كه از ساسان انجام داد مشخص شد او [اختلال شخصيت](#) دارد. تمام اين حرف‌هايم با سند و مدرک است كه براي‌تان از طريق گوشي خواهرم ارسال مي‌كنم. فقط مي‌خواهم بدانم پسرم تا چه زماني بايد زندان بماند. وضع روجي‌اش در زندان هر روز بدتر ميشود. بهتان كه گفتم خودش رفته گفته مرا اعدام كنيد. يعني هيچ خيره‌اي نيست كه بتواند به ما كمك كند!»